

علی آزاد 30.6.2010

نقش رژیم اسلامی ایران در شکل دهی جامعه موازی در کشورهای غربی :

مسئله مهاجرات و پناهندگی در ابعاد میلیونی در سراسر جهان بخشی از تاریخ جهان معاصر می باشد. حکومت‌های دیکتاتوری، جنگ‌های خونین و بی پایان داخلی در کشورهای به اصطلاح "جهان سوم" و حمایتها و دخالتگریهای جانبدارانه، لشکرکشی و اشغالگریهای کشورهای پیشرفته و امپریالیستی از یک سو و از سوی دیگر گلوبالیزاسیون (جهانی سازی) و لیبرالیسم اقتصادی سبب مهاجرت و پناهندگی بیش از 100 میلیون نفر در پنجاه سال اخیر شده است. بنا به آخرین امار 15 میلیون نفر هنوز نتوانستند جا و مکان امنی پیدا کنند و همچنان آواره و پناهجو می باشند. پدیده ای که علی رغم سختگیری های پلیسی و قانون مهاجرت همچنان در حال گسترش می باشد. از این جمعیت میلیونی تنها 10% امکان آن را می یابند که در کشورهای پیشرفته اقامت گزینند.

مشکل واقعی جابجایی انسانها نیست. این پدیده به خودی خود نه تنها منفی نیست، بلکه در جهت غنای فرهنگی و اجتماعی و ژنتیکی و نژادی و یگانگی بشریت می باشد.

مشکل واقعی و جدی عدم جذب و یگانگی با جامعه جدید و تبدیل شدن به شهروندان واقعی می باشد. پدیده راسیسم و خارجی ستیزی، ناسیونالیسم و مذهب گرایی در جامعه میزبان از یک سو و از سوی دیگر دخالتگریهای مستقیم و غیر مستقیم دولت‌های دیکتاتور و سرکوبگر و مرتجع از عوامل ایجاد این مسئله می باشند، دولتهایی که خود عاملین اصلی پناهنده سازی و مهاجرت هستند مثل رژیم ایران، پاکستان، عربستان، لیبی، سوریه، عراق، ترکیه این دولتها در عین حال در شکل دهی جامعه موازی خارجی تبار در خارج از مرزهای خود نقش جدی بازی میکنند. این دو پدیده یعنی راسیسم کشور میزبان و ارتجاع اسلامی اگرچه در تقابل هم قرار دارند ولی لازم و ملزوم هم و دوروی یک سکه می باشند.

متأسفانه این دو نیروی مخرب بخش مهمی از صف بندهای سیاسی جامعه غرب را رقم می زنند.

توده های عادی گسترده از طبقات مختلف در کشورهای پناهنده پذیر که خطر این مرتجعین را درک میکنند، نگران جامعه خود می باشند، و این نگرانی و بیزاری خود را به صورت حمایت از جریانات راست و راسیسم در انتخابات .. نشان میدهند

طیف چپ و ضد راسیسم از وحشت راست افراطی و تنفر از پدیده راسیسم و نابرابری هایی که علیه این بخش از شهروندان روا میشود به کلی نقش نیروهای مرتجع و اسلامبیست‌ها را نادیده میگیرد و در نتیجه تبدیل به نیروی خدماتی مرتجعین اسلامی میشود.

ترور مخالفین رژیم ایران در دوره رفسنجانی اگرچه زمینه ساز زد و بندهای بین ایران و غرب شد اما به شدت افکار عمومی را علیه سیاست مداخلات جویانه با تروریستها برانگیخت بخصوص رای دادگاه میکونوس و ترور ناشرین کتاب آیات شیطانی از این جهت غرب ناگزیر شد فعالیت‌های جمهوری اسلامی را در کشورشان محدود و کنترل کند .

روابط غرب با جمهوری اسلامی از زمان خاتمی (1376 تا 1384) دگرگون شد. سیاست تنش زدائی و گفتگوی تمدن‌ها فضاى سیاسى و دیپلماتیک را برای حضور جمهوری اسلامی در کشورهای غربی میسر نمود. از این زمان فعالیت‌های پنهانی رژیم به صورت علنی و قانونی و مستقل درآمد و دروازه های غرب بروی محصولات فرهنگی ایران که عموماً برای خارج از کشور تولید می شد از قبیل فیلم ، کنسرت و موزیک ، نمایشگاه‌های مختلف هنری مثل کتاب نقاشی و عکاسی ، سخنرانی و کنفرانس‌های جنجال برانگیز به عنوان کاروان‌های فرهنگی با استقبال روبرو شد . در کنار این نوع فعالیت های هنری و مردم پسند دونهاد مذهبی اختاپوس نشان یعنی مجمع اهل بیت و جمع تقریب اسلام با بودجه های کلان و کادرهای حرفه ای و آموزش دیده از ملیت‌های مختلف عراقی ، افغانی ، پاکستانی ، سوری ، فلسطینی ، ایرانی ... با استخدام و کلاى مجرب به شکل سیستماتیک و متناسب با قوانین و عرف آن کشورها با هماهنگی سفارتخانه ها و همچنین به کمک و یاری لابی های رژیم در نهادهای مختلف فرهنگی و شهرداری ... شروع به فعالیت نمودند . لازم به یادآوری است مجمع جهانی اهل بیت بیش از 60 شعبه در سراسر جهان از جمله در بسیاری از کشورهای غربی انگلستان ، ایتالیا ، اتریش ، سوئد ، المان ، بسنی ، یونان ، البانی ، مجارستان ، بلغارستان ، استرالیا ، ترکیه ، کانادا ، دانمارک ، هلند ، فنلان شعبه ، مسجد ، کلوب و غیره دایر کرده است در مدت کوتاهی ده ها مسجد و مدرسه خصوصی اسلامی وانجمن و کلوب اسلامی مثل قارچ در دل گتوهای خارجی نشین سر برآورده اند .مسجد امام علی و مدرسه امام علی ، حسینیه امام حسین ... و دسته های سینه زنی و نماز جمعه ، دفتر عقد و طلاق وصیقه ... در اکثر کشورهای اروپایی دایر شد. و بعد از مدت کوتاهی اخوند و منیر و افتابه ... هم به آن اضافه شد و در کنار آنها صدها سایت اینترنتی ، ده ها هزار جلد کتاب و صدها نشریه به زبانهای مختلف ، ده ها فرستنده رادیویی و کانال تلویزیون سراسری و ماهواره ای و محلی با بودجه های کلان مالی صرف این پروژها شد. به این امید که بتواند در درون گتوهای مناطق بحرانی جا و مکان و تشکیلاتی مثل حزب الله لبنان و جیش مهدی در عراق و حزب اسلامی گلبدین حکمتیار افغانستان ، حماس فلسطین و الحوثی یمنی ایجاد کند و در شرایط بحرانی از آنها استفاده ابزاری کند. همانگونه که در لبنان و فلسطین و عراق و افغانستان عمل کرد.

جهان غرب انچنان از اصلاحات سر و دم بریده و توخالی خاتمی و رژیم ایران ذوق زده شد ، که به رژیم بربر ایران اجازه داد تا بدون هیچ مانعی بساط بربریت و شریعت را در مناطق بحرانی برای شکل دادن جامعه موازی و درست کردن شهرک هایی با مدل بیروت ، نجف ، قم و قندهار در دل پایتختهای اروپایی بگسترده .

مسجد امام علی در کپنهاک یک نمونه از ده ها نمونه مشابهی است که در امریکا و کانادا ، استرالیا و المان ، انگلستان ، سوئد ، هلند به وجود آمده است .

سفارت ایران در دانمارک در دوره خاتمی در سال 2001 توانست در دل گتوی کپنهاک به مبلغ 8 ونیم میلیون کرون زمینی را برای ساخت مسجد خریداری کند . هر سال صدها هزار دلار خرج مراسم سینه زنی و دعا و شریعت و سورچرانی و جاسوسی میکنند . در حال حاضر برای ساخت این مسجد بیش از 70 میلیون

کرون سرمایه‌گذاری کرده است .

جمهوری اسلامی وسایر کشور های ارتجاعی با همکاری نیروهای واپسگرا با هزینه کردن میلیونها دلار به تبلیغ و ترویج قوانین شریعت و تاسیس نهادهای مذهبی و سازماندهی نیرو در دل گنوهای خارجی نشین می‌پردازد . این نهادهای مذهبی با کادرهای حرفه‌ای و آموزش دیده از رنجها ، بی عدالتی ها ، و تبعیض ها و مشکلات اجتماعی از قبیل بیکاری ، فقر ، خارجی ستیزی ... کاملاً آگاه هستند به همین جهت سعی بر سوار شدن بر جنبش نا راضیان اجتماعی و کانالیزه کردن و منحرف کردن آن به سمت جنگ و نفرت مذهبی و قومی و استفاده ابزاری جهت وزد وبندهای سیاسی و باج خواهی دارند .



- رژیم اسلامی ایران چه منافع و اهدافی در شکل دادن جامعه موازی وحاشیه نشینی مهاجرین و خارجی تبارها در غرب دارد؟

جمهوری اسلامی ایران یک رژیم ایدئولوژیک می‌باشد . اسلام و قوانین شریعت اساس و توجیح فکری این ایدئولوژی است . از این جهت جامعه آرمانی آنها جامعه 1400 سال قبل یعنی صدر اسلام میباشد . بسط وگسترش اسلام در سراسر جهان بعلاوه صدور انقلاب اسلامی از اهداف بی پرده همه رهبران وسیاستمداران جمهوری اسلامی بوده وهست و فقط در شرایط و موقعیت نامناسب ،مصلحت در این میبینند که قدری کوتاه بیایند . از این جهت گسترش اسلامگرایی در غرب یک بخش از اهداف اشکار رژیم ایران میباشد .

اسلام سیاسی و شیعه بخش دیگری از هویت جمهوری اسلامی است که به عنوان بدیل سیاسی در کانون بحرانهای سیاسی ظهور میکند . این حلقه واسطه ای است که منافع لاهوتی رژیم را با منافع ناسوتی اش پیوند میدهد و سبب قبضه کردن قدرت سیاسی و ثروت های افسانه ای برای سران رژیم ایران شده است . این بخش از ایدئولوژی رژیم ایران در عرصه بین المللی مخالفان و رقبایی اسلامی دارد . از جمله عربستان سعودی و کشورهای عربی ، ترکیه ... در این رقابت ارتجاعی زندگی وشیره جان میلیونها انسان مکیده شده و میلیاردها دلار هزینه تبلیغات و نهادهای مذهبی میشود . حضور جمهوری اسلامی ایران در غرب بخشی از این اهداف رقابتی نیز می‌باشد .

حیات وحتی نطفه جمهوری اسلامی با بحران و بحران آفرینی گره خورده است این پدیده نوزاد حرامزاده بحران جنگ سرد ودکترین کمر بند سبز می‌باشد . اما از انجایی که ساختار سیاسی ، ایدئولوژیکی و فرهنگی آن با جامعه و آگاهی سیاسی و اجتماعی اکثریت مردم بخصوص جوانان و زنان و توده های شهری در تضاد میباشد ، دائماً در بحرانهای درونی و در وضعیت جنگی و آماده باش قرار دارد ، به عبارت دیگر روزانه زندگی میکند . به این امید که بتواند با بحران آفرینی و حضور در مناطق بحرانی هم مشکلات داخلی را سرکوب کند وهم سیاست باج خواهی در عرصه بین المللی را پیش ببرد . به همین سبب است که در اکثر کانونهای بحرانی جهان جمهوری اسلامی ایران حضور فعال دارد .

رژیم ایران مرکز ویژه ای را در قم زیر نظر حوزه علمیه برای آموزش و پرورش کادر ایجاد کرد است. از میان مسلمانان غیر ایرانی، طلبه و دانشجوی اسلامی گزینش میکنند و پس از پایان این دوره به استخدام مجمع اهل بیت و نهادهای مشابه در می آیند و با حقوق و مزایای عالی آنها را روانه محل ماموریت میکنند یا حتی بدون پاسپورت از طریق شرکت هواپیمایی ایران ایر به عنوان پناهنده وارد اروپا میشوند. کم نیستند افرادی که سالها در ایران به عنوان پناهنده زندگی کرده اند و هیچ مشکلی هم در ایران نداشته ولی به کشورهای اروپای پناهنده شده اند و همچنان رابطه خوب و همکاری نزدیکی با سفارت ایران دارند.

این کادرهای آموزش دیده پس از استقرار در محل فعالیت خود با همکاری سفارت ایران، نهادها و تشکلهایی مانند های حزب الله لبنان، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، گروه های شیعه عراقی، گروه های شیعه افغانی و پاکستانی و سایر گروه های بنیادگرای طرفدار جمهوری اسلامی ایران، با پول وامکانات رژیم ایران به فعالیت و سازماندهی و ایجاد نهادهای مذهبی از قبیل مسجد، مدارس خصوصی اسلامی، کلوپ و انجمنهای مختلف اسلامی، تورهای زیارتی به ایران و حج، اعزام دانشجوی اسلامی به ایران و تبلیغات وسیع و پرهزینه مانند کانال رادیو و تلویزیون، نشریات و کتاب به زبانهای مختلف... را می پردازند. مخاطبین این نهادها نیز همین گروه های مهاجر و پناهندگانی هستند که از عراق یا لبنان، افغانستان، سوریه و مناطق اشغالی فلسطین... گریخته اند



5- ابزار کار پیشبرد این سیاستها چیست؟

اولین و مهمترین ابزار پول و سرمایه کلان است که خرج این نوع فعالیت ها میشود دهها نهاد دولتی و مذهبی در تامین بودجه نقش دارند از جمله وزارت خارجه، وزارت ارشاد، وزارت اطلاعات، مجمع اهل بیت، مجمع تقریب، بیت رهبر اوقاف... به صورت مستقیم از این پروژه ها حمایت میکنند. و در صورت احتیاج از صندوق ارزی کشور، شرکتهای تجاری و نفتی، بانکها و موسسات مالی... مشکلات مالی این پروژه ها را برطرف میکنند.

جمهوری اسلامی ایران ارتجاع و تروریست سخاوتمند میباشد. و برای این نوع پروژه میلیاردها دلار خرج میکند. رژیم ایران بیش از 20 سال است که سالانه چند میلیون تن نفت مجانی و ارزان قیمت به سوریه میدهد تا بتواند در لبنان حضور داشته باشد. ایران در سی سال گذشته برای کمک به حزب الله و بازسازی لبنان 18 میلیارد دلار هزینه کرده است. حیات جمهوری اسلامی به این نوع پروژه های سیاسی و بحران آفرین گره خورده است و چنین سرمایه گذاری های نا متعارف برای سرپا نگه داشتن این رژیم نامتعارف امری طبیعی و ضروری است.

ابزار دیگر رژیم ایران دیپلماسی باج خواهی و باج دهی است. این نوع دیپلماسی غیره متعارف گاه انچنان زننده و شرم آور است که برای دولتهای غربی مشکل ساز و سبب افتضاح سیاسی میشود. اما برای مشتی راهزن و باج بگیر پیروزی تلقی میشود. از این جهت سفارتخانه ها و دیپلماتهای جمهوری اسلامی مستقیماً در این پروژه ها نقش دارند، بدون بند و بست و معامله پرسود و باجهای کلان به دولتهای غربی حضور آنها در غرب غیر قابل تحمل است. در واقع سفارت جمهوری اسلامی صاحب اختیار و مسئول اصلی این پروژه ها می باشد.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی از همان ابتدا برای سرکوب و کشتار مخالفین در داخل و خارج نیاز مند سکوت جامعه جهانی در قبال این جنایتها بوده است. اما این جنایتها چنان اشکار و نفرت انگیز و شرم آور بوده اند که افکار عمومی دنیا اجازه چنین سکوتی را نمی داد. جمهوری اسلامی با در پیش گرفتن دو دهه سیاست ترور علنی و اشکار مخالفین و حتی شهروندان اروپایی در مقابل چشمان مردم به کشتار و ترور مخالفین در شهرها و پایتخت های اروپایی دست زده است. ده ها نفر در اروپا قربانی تروریسم دولتی رژیم اسلامی شده اند و در اکثر موارد تروریستها بدون مشکل به پایگاههای خود در تهران بازگشته اند.

سکوت و عدم واکنش جدی غرب در مقابل تروریسم اسلامی ایران صرف نظر از انگیزه های اقتصادی که البته مهم نیز میباشند، اما انگیزه مهمتر از ادای گروگانهای اروپایی در لبنان بوده که سبب معامله با دولت ایران شده است. به عبارت روشنتر جمهوری اسلامی ایران آزادانه مخالفین خود را در شهرهای اروپا به گلوله میندود و پلیس اروپا تروریستها را تا فرودگاه بدرقه میکند و یا حد اکثر چند نفر را بازداشت میکند تا در فرصت بعدی معامله کنند. و تروریستهای لبنانی و ایرانی مانند یک قهرمان از سوی مقامات رژیم استقبال میشوند. نمونههای زیادی از این دست وجود دارد.

اما در مقابل افکار عمومی مردم اروپا به شدت علیه سیاست مماشات جویانه سیاستمداران اروپایی برانگیخته شد و این را توهینی به کشورشان تلقی کردند. مطبوعات گزارشهای کامل ترور ها را بازگو کردند و همه اینها سبب شد تا دولتمداران و سیاستمداران اروپایی جدی تر در مقابل تروریسم اسلامی ایستادگی کنند. وان را بطور موقت در محدوده اروپا محار کنند.

اینها محصول سرمایه گذاری در لبنان و کشورهای مسلمان بود. اما رژیم ایران در غرب پروژه دیگری دارد این پروژه ها زود بازده نیستند شاید عمر جمهوری اسلامی کفاف ندهد، اما این پروژه ها چون استخوان لای زخم جامعه اروپای باقی میمانند و مرتجعین دیگر از آن بی نصیب نمی مانند. با این حال به روشنی می توان رد پا و عمل کرد تا کنونی این سیاست ها را در جامعه اروپا دید. برای نمونه توجه شما را به نمونه هایی از اجرای قوانین شریعت با ملاکهای قانون ایران در کشورهای غربی جلب میکنیم.

در

تمامی قوانین ارتجاعی شریعت در مورد ازدواج و طلاق با اجازه دولتهای غربی در اروپا و غرب سالهاست به صورت کامل اجرا میشود. چند هزار نفر شهروند اروپایی، کانادایی و غربی به خاطر ازدواج با ایرانی و احتمالاً برای بازدید خانواده خود ناچار شده اند به مسجد علی نزد اخوند بروند و به ناچار بگویند ما مسلمان شدیم و عقد اسلامی میخواستیم.. و سپس اسم خود و فرزندان خود را عوض کنند، حتی برای مسافرت کم در دستر تر ملیت دوگانه ایرانی انتخاب کنند. اینها همه توهین و تحقیر به شهروندان غربی برای یک بازدید چند هفته ای از خانواده خود میباشد. صدها نفر به زور مسلمان شدند و هویت و ملیت، دین و حتی اسم خود را عوض کرده اند. مسئله ای به این بزرگی به غرور کدام دولت برخورد؟ کدام یک از رسانه های آزاد این توهین به وجدان بشریت را منعکس کرد اند؟ چه کسی به این توهین اعتراضی کرد و یا میکند؟ در قلب اروپا قوانین شریعت را در زندگی مردم به اجرا میگذارند و آن را قدم به قدم تا اطاق خواب مردم بسط میدهند.

حیوانات را برای زجر کشی بیشتر حلال میکشند و به این هم راضی نیستند استاندارد حلال را به عنوان استاندارد رسمی در کنار اسداندارد بین المللی و اروپایی رسمیت داده اند. و باید منتظر کرم حلال، پوشک

حلال و مداد ، خودکار ، کاغذ و غیره حلال بود . صیقه و چند همسری غیر رسمی و ختنه ، حجاب ، پدر سالاری و زنانه مردانه کردن مجالس غیره .. را به عنوان تفاوت‌های فرهنگی در جامعه چند فرهنگی رسمیت داده اند . به نام کارنوال عاشورا دسته های سینه زنی و نوحه خوانی و خود آزاری در خیابانها راه می اندازند . در خیابانها و میدانهای اصلی شهر و پارکهای پر رفت و آمد نماز جماعت برگزار میکنند . در مراکز عمومی آموزشی و اداری و محل کار طلب وقت نماز و مکانی برای نمازخانه میکنند . کودکان را از استخر رفتن و ورزش کردن به خاطر دوش گرفتن محروم میکنند . با تقویم مذهبی خود در کنار تقویم رسمی تعطیلات ، اعیاد و روزهای رسمی خود را برگزار میکنند . مدارس ، مهدکودک و کلوب مذهبی با سلیقه و فرهنگ خودشان برپا کرده و در کنار ان مدارس قران ، تعلیمات اسلامی و قوانین شریعت آموزش میدهند .

آیا دولتهای غربی نمی دانند زیر گوش انها قوانین شریعت اجرا میشود و ان را قدم به قدم تا اطاق خواب مردم بسط داده اند ؟

ایا این مناسبات و روابط دیپلماتیک است ؟ یا باج دهی به راهزنان و قلدران ؟ اگر چنین روابطی عرف دیپلماسی جهان فاسد است . پس باید حداقل دو جانبه باشد . آیا جمهوری اسلامی اجازه میدهد غربی های مقیم ایران برای مثال یک قصابی داشته باشند که خوک ذبح کند ؟ ایا یک مغازه در سراسر ایران میتوان یافت که مشروب بفروشد ؟ یک کلوب و انجمن فرهنگی اروپایی و غیر اسلامی در ایران اجازه فعالیت دارد ؟ مترجم بودن در سفارتخانه های خارجی ممکن است هر لحظه به اتهام جاسوسی مبدل شود . یک دیپلمات زن اجازه دارد بدون روسری و حجاب اسلامی وارد ایران شود ؟ لباسهایی که مد غربی داشته باشد از تن مردم در میاورند همین چند روز پیش اجناس چند مغازه را به خاطر اینکه لباسهای مدل غربی یا نوشته لاتین داشتند از بوتیکها جمع اوری کردند .

چرا باید به یک رژیم بریر این همه امتیاز حقارت بار یا به عبارت دیگر باج داد ؟ از انها می ترسند ؟ دولتهایی که شوروی و بلوک شرق را اجازه نفس کشیدن نمی دادند ، این همه کرنش در مقابل یک رژیم در حال فروپاشی چه مفهومی دارد ؟

به نظر میرسد فقط داشتن منافع مشترک و همسویی باهم ولو مقطعی توجیح کننده این باج دهی باشد و یا باید باور کرد این رژیم مطابق خواست انها میباشد و محصول خودشان است و خواهان سوار کردن از این دست جانوران بر گرده مردم در سایر کشورهای اسلامی هستند . اما به شرط اینکه افسار این جانوران در دست دولتهای غربی باشد، و یا این بربرها چوب لای چرخ آنها نکنند . اگر برای دولت خاتمی و اصلاح طلبان حکومتی ممکن نشد به رفسنجانی یا قالیباف میانه روهم راضی میشوند .

علی آزاد 30.6.2010

زیر نویس

مجمع جهانی اهل بیت در سال 1372 رسماً با تایید خامنه‌ای در تهران آغاز به کار کرد و حوزه فعالیت‌های آن در خارج کشور می‌باشد. در سال 1375 این نهاد با 12 نهاد مشابه رژیم ازجاسوسی و ترور تا پولشویی و تبلیغات به دستور رهبر در هم ادغام شده‌اند و "سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی" به وجود آمد. این نهاد هم مستقیم زیر نظر رهبر، وزیر ارشاد، وزیر امور خارجه و رئیس مجمع اهل بیت و رئیس مجمع تقریب اسلام هدایت می‌شود و هر سال از بودجه عمومی کشور مثل سایر نهادهای دولتی پول و امکانات می‌گیرد. علاوه بر این اهل بیت نه تنها از بودجه و امکانات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی استفاده می‌کند خود این نهاد دولتی مستقیم و مستقل بوجه جداگانه می‌گیرد.

زیرنویس 2

گزارش سال ۲۰۰۹ اداره امنیت داخلی آلمان (Verfassungsbericht) روز چهارشنبه (۲۳ ژوئن، ۲ تیر) در برلین انتشار یافت.

اداره فدرال امنیت داخلی آلمان، که Verfassungsschutz خوانده می‌شود، هر سال با انتشار یک گزارش مسائل امنیتی آلمان، فعالیت گروه‌های تندروی چپ و راست، امکان نفوذ سرویس‌های جاسوسی خارجی و همچنین نحوه فعالیت گروه‌های سیاسی خارجی را در خاک آلمان موشکافی می‌کند.

مراکز تبلیغاتی جمهوری اسلامی

در گزارش سال ۲۰۰۹، بارها از ایران نام برده شده است. در صفحه ۲۳۶ این گزارش ۳۲۴ صفحه‌ای، جمهوری اسلامی ایران متهم می‌شود که می‌کوشد از طریق نهادها و انجمن‌های وابسته به خود، شیعیان ساکن آلمان را زیر نفوذ بگیرد. در این بخش می‌خوانیم: «در آلمان، مراکز و سازمان‌های متعددی تحت فرمان رهبری جمهوری اسلامی عمل می‌کنند. این سازمان‌ها وظیفه صدور انقلاب را با تفسیری که حکومت ایران از اسلام دارد، در سطح جهان به عهده دارند.»

اداره امنیت داخلی آلمان از "مرکز اسلامی هامبورگ" و مسجد امام علی که وابسته به این مرکز است به عنوان بزرگترین مرکز وابسته به حکومت ایران نام می‌برد و می‌نویسد: «این مرکز، در کنار سفارت جمهوری اسلامی، بزرگترین مرکز نمایندگی ایران در آلمان و یکی از مهمترین مراکز تبلیغاتی آن در سراسر اروپا است. رئیس مرکز هامبورگ، از سوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی تعیین می‌شود و نقش نماینده آیت‌الله خامنه‌ای را در اروپای مرکزی به عهده دارد.»

فعالیت‌های مرکز اسلامی هامبورگ

گزارش اداره فدرال امنیت داخلی، فعالیت‌های مرکز اسلامی هامبورگ را چنین تشریح می‌کند: «در نگاه از بیرون، این مرکز تنها فعالیت‌های مذهبی دارد و در حوزه نفوذ خود وارد سیاست نمی‌شود. اما در واقعیت، رهبری ایران می‌کوشد با استفاده از مرکز اسلامی هامبورگ، شیعیان ساکن اروپا را، که دارای ملیت‌های گوناگون هستند، جذب کند و ارزش‌های بنیابین اجتماعی، سیاسی و مذهبی دکتربین حکومتی خود را در اروپا گسترش دهد. این مرکز، در کنار فعالیت‌های گوناگون خود، از انجمن‌های متعلق به شیعیان در آلمان پشتیبانی مالی می‌کند.»

همه شیعیان آلمان زیر یک چتر

گزارش امنیت داخلی، جزئیات جابه‌جایی‌های مسئولان مرکز اسلامی هامبورگ را نیز تشریح می‌کند و می‌نویسد: «۳۰ آوریل ۲۰۰۹ رضا رضانی جای سید عباس مقدم را به عنوان رئیس مرکز اسلامی هامبورگ گرفت. رضانی از تابستان ۲۰۰۶ مرکز اسلامی امام علی وین را هم اداره می‌کند. قائم مقامی در سال ۲۰۰۹ به عنوان رئیس جامعه اسلامی گروه‌های شیعی در آلمان انتخاب شد. جامعه اسلامی شیعیان، ۷ مارس ۲۰۰۹ در مرکز اسلامی هامبورگ بنیاد نهاده شد و باید نقش بالاترین نمایندگی جوامع شیعی را در سراسر آلمان ایفا کند.»

تعقیب مخالفان در خارج

در بخشی دیگر از گزارش امنیت داخلی آلمان، فعالیت‌های وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران در خاک آلمان بررسی شده است. در این بخش از جمله می‌خوانیم: «وظیفه مرکزی وزارت اطلاعات جاسوسی علیه گروه‌های مخالف در داخل و خارج از ایران و مبارزه فعال با آن‌ها است. اما علاوه بر این، سرویس جاسوسی ایران به جاسوسی در حوزه سیاست، اقتصاد و علوم نیز می‌پردازد.»

گزارش ادامه می‌دهد: «گرانینگاه جاسوسی‌های وزارت اطلاعات در آلمان، ردیابی سازمان مجاهدین خلق ایران و بازوی سیاسی آن شورای ملی مقاومت است. وزارت اطلاعات همچنین وظیفه تعقیب سیاست خارجی و امنیتی آلمان را نیز به عهده دارد.»